

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهادها

نظری تخاری

10/09/05

سلام به نویسندگان باحساس و وطن دوست پورتال افغانستان آزاد!
اولاً از تمام نویسندگان پورتال تشکر میکنم که نسل جوان را از حالت فعلی افغانستان با خبر میسازند و من به حیث یک جوان چند سؤال دارم امیدوارم، جواب بدهید

س1-

در حالت فعلی که جنگ بین نیروهای اشغالگرو طالبان قرون وسطائی در افغانستان جریان دارد اگر ما جوانان به دفاع از اشغالگران به ضد طالبان قرون وسطا برخیزیم بزرگترین جرم را مرتکب شده ایم اگر طالبان دفاع نموده به ضداستعمارگران مبارزه کنیم خیانت به مردم بی دفاع افغانستان است پس وظیفه ما جوانان در شرایط فعلی چیست؟

س2-

برای مبارزات مردم افغانستان به خاطر آزادی افغانستان عزیز در دوران طالبان ساده بودید درین دوران اگر درین دوران چرا؟ و اگر در دوران طالبان چرا؟ منتظر جوابتان هستم به امید موفقیت هر چه بیشتری پورتال مردمی افغانستان آزاد افغانستان

با احترام:

نظری از دورترین نقطه افغانستان و لسوالی رستاق ولایت تخار

پاسخ ها:

1 - خواننده نهایت عزیز و گرمی، درود های گرم و احترامات قلبی متصدیان و همکاران تخنیک پورتال را تقدیم میداریم، امید داریم برای سایر دوستان و خوانندگان عزیز نیز واسطه شوید.

هموطن عزیز!

نخست از همه اجازه می خواهیم تا از علاقه مندی تان به پورتال و از اعتمادی که به ما مبذول داشته و سوالات حیاتی وضعیت کنونی افغانستان را با ما در میان گذاشته اید، از شما ابراز امتنان نمائیم. برای اکثریت متصدیان و همکاران تخنیک پورتال که به نسبت شرایط حاکم بر افغانستان از تنفس هوای وطن محروم اند، داشتن تماس با فرزندان افغانستان در هر گوشه ای از جهان که باشد به خصوص در داخل افغانستان و آنهم از نقطه ای مانند "رستاق" که سالیان سال در حالی که مردم زحمت کش آن از آب آشامیدنی سالم و یا حتا یک کلینیک صحتی محروم

بودند و امراض منطقه ئی بیداد می کرد، مگر خود آن وادی زیبا یکی از عشرتکده های حکمروایان جبارخاندان
طلانی بود؛ ضمن آنکه افتخاریست بس عظیم برای ما، محرکیست قوی به خاطر ادامه کار نیز.
واما به ارتباط پاسخ پرسش هایتان:

1- به ارتباط پرسش اول تان قبل از آنکه اصل پاسخ ارائه گردد توجه تان را به این نکته تاریخی جلب می نمایم:
در کتابهایی که به صورت اختصاصی راجع به لشکر کشی های "سکندر مقدونی" نگارش یافته اند قید گردیده است
که وقتی "سکندر" به دنبال مرگ پدر زمام امور را به دست گرفت و خواست تا قلمرو تحت فرمانش را گسترش
دهد به مانند هر "جهانگیری" گام اول ستراتیژیک برای دولت خود را در منقاد ساختن سایر دولت های شهری یونان
که هر یک از آنها به صورت جداگانه و آزاد از کنترل و حاکمیت دیگری اداره می شدند، مشخص نموده شهر های
پراکنده یونان را یکی پی دیگری تابع خود نمود. در همین جریان وقتی سپاهش به پشت دروازه های سپارت رسید،
به وسیله دانشمندان و کاتبانی که در سپاهش بود نامه مفصلی برای مردم سپارت نوشته و ضمن یادآوری از مزایای
وحدت و یگانگی و در واقع پذیرش انقیاد مقدونی ها با پا گذاشتن بر آزادی های خودشان، از آنها پرسید:

"می خواهید به مثابه دوست وارد سپارت شوم و یا دشمن؟"

باشندگان سپارت که بیشتر مردمان رزمی بودند تا فرهنگی و در تمام شهر کسی پیدا نمی شد تا با همان ادبیات به
پاسخ "سکندر" چیزی بنویسد بعد از شور و مشورت زیاد به این نتیجه رسیدند تا جوابی کوتاه اما همه جانبه برای
آن "جهانگیر" ارسال دارند. جوابی کوتاه اما جامع و آن جواب چنین بود:

" نه این و نه آن "

یعنی اصلاً نمی خواهیم وارد خاک ما شوی و رنگت را به چشم ما بزنی. اینکه سکندر چه کرد و چطور با این
جواب خود را عیار ساختن مطلبیست که به بحث ما ارتباط نمی گیرد، مگر همینقدر باید گفت که آن جواب را
پذیرفته و وارد سپارت نگردید.

خواننده نهایت عزیز!

ما هم اگر خواسته باشیم با در نظر داشت امکانات محدود زمانی و کار گسترده ای که بر دوش متصدیان و همکاران
تخنیکی پورتال افتاده است پاسخ بگوئیم، جا دارد بنویسیم:

" نه این و نه آن "

با آنکه مطمئن هستیم که شما خواننده عزیز، با همان تذکر نیز منظور ما را درک می نمائید، صرف به خاطر آنکه
خوانندگان دیگری که با سبک کار ما آشنا نیستند، این جواب را "پشت نخود سیاه روان کردن تلقی نمایند" طی
سطری چند اندکی سؤال را از نزدیک مورد مذاقه قرار می دهیم. امید است ضمن آنکه جناب شما پاسخ مختصر ما
را به مثابه "کم ما و کرم شما" مورد قبول قرار می دهید، همکاران قلمی پورتال فرصت را غنیمت شمرده با ارائه
پاسخ های جامع و مورد قبول شما دوست عزیز، کمبود کار ما را نیز مرفوع نمایند.

زمانی که امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء بر افغانستان تجاوز و به تعقیب آن کشور را به اشغال درآوردند،
در غیاب ستاد های مبارزاتی آگاه، میهن دوست و منضبط، در یوزه گران و خادمان امپریالیزم اعم از آنها نیکه در
ظاهر خود را ضد اشغال قلمداد می نمایند اما در واقع با حمایت از طالب بر ادامه حالت مستعمراتی کشور خجولانه
تأکید می ورزند و آن هائی که لباس چپ بر تن نموده بودند و اکنون با پافشاری پورتال و همکاری بی شائبه ده ها
همکار قلمی آن، به نام "چپ مدالگیر" شهرت یافته اند، سخت تلاش صورت گرفت تا شرایط افغانستان را قسمی
وانمود بسازند که گویا نیروهای انقلابی افغانستان به ناچار باید میان امپریالیزم اشغالگر و ارتجاع طالبی یکی را

انتخاب نماید. چنانچه هریک از آنها به اساس تعلقات ارتجاعی مخفی یکی سر از گریبان ملاعمر و گلبدین کشید و دیگری به اساس اصل اولویت انتخاب بد از بدتر، راهی پارلمان ها و سایر نهاد های اداره مستعمراتی در پوشش آن سفسطه ننگین، آستان بوسی و در یوزه گری خویش را مقابل امپریالیزم توجیه و از بام تا شام چنان به تبلیغ آن تئوری مشغول شدند که کمتر کسی به خود جرأت می داد، تا سؤالی را که شما اکنون مطرح می سازید به میان اندازد، چه در آنصورت با مارک طالب پرستی دنیا و عالم را به جنگ آن پرسنده می فرستادند.

خواننده عزیز!

اگر به محتوای آن نوع پرسش نیک دقت نمائید، خود متوجه خواهید شد که در طرح مسأله یک نوع اجبار سرهم بندی شده که پاسخ دهنده هرگاه به همچو پولیمیک ها وارد نباشد و از لحاظ تاریخی به پاسخهایی از نوع پاسخ سپارتی ها آشنائی نداشته باشد، خود را ناگزیر میداند تا یکی را بر دیگری رجحان داده و به فرموده شما در هر دو انتخاب به کشور و مردم آن خیانت و ظلم روا دارد.

آنچه در این طرح از اساس آگاهانه نادیده گرفته شده و می تواند شبیه آن گردد که کسی بخواهد شکل یک مثلث را با دو ضلع مشخص ساخته و ضلع سوم را که در اساس موجودیت مثلث با داشتن آن امکان می یابد، از همان اول نفی کند و هنوز هم بخواهد از موجودیت مثلث دفاع کند. در چنین سؤالی از اساس به توده های ملیونی و نیروهای جوان و بالنده کشور، در عوض آنکه از موضع ضلع سوم نظر انداخته شود، کوشش به عمل می آید تا آنرا ادامه یکی از اضلاع دوگانه معرفی نماید، و شما می دانید که هرگاه چنین گردد چیزی از مثلث باقی نمانده و تا بی نهایت آن خط می تواند ادامه یکی از آنها باقی ماند.

در حالیکه اصل قضیه چنین نیست. در بطن آنکه امپریالیزم جهان گستر می خواهد تا کشور ما را به بند انقیاد خویش کشانیده و به مستعمره مقهور خود مبدل سازد و ارتجاع سیاه طالبی و سایر داعیان اسلام سیاسی سخت در تلاش اند، تا افغانستان را به موزیم قرون ماقبل مبدل ساخته زندانی به بزرگی سراسر افغانستان برای خلق زحمتکش آن بسازند، باید ببینیم که خواست مردم و پیشاهنگان آنها نیروهای جوان در اصل خودش چیست؟ هرگاه آن خواست تعمیق حالت مستعمراتی کشور باشد و یا بردن افغانستان در عصر سنگ قدیم، به مانند همان ضلع مفقود دیگر نه از جوان خبری هست و نه هم از رسیدن به اهدافی به غیر از اهدافی که دشمنان مردم از قبل تعیین نموده اند.

در چنین حالتی ایجاب می نماید همانطوریکه برای تکمیل مثلث ضلع سوم را می بایست پیدا می کردیم، ضلع سوم نیز اهداف خود را مشخص سازد. تا جائیکه به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" بر می گردد ما از همان نخستین روز های ایجاد پورتال و به راه انداختن آن طی اهداف نشراتی خویش به صراحت یاد آور شدیم که ما به خاطر حصول استقلال، رسیدن به آزادی ملی، حفظ تمامیت ارضی، دموکراسی و گام گذاشتن در مسیر پر مشقت و صعب العبور ترقی اجتماعی گام می گذاریم و چه به مثابه افراد سازنده این نهاد و چه هم در کل خود نهاد حاضریم هزار بار مرگ را با آغوش باز پذیرا گردیم، اما وجبی از این خواسته ها عقب ننشینیم.

وقتی به قضیه از این منظر باید نگریم از آن "اجبار کاذب" دیگر اثری باقی نمی ماند تا مجبور باشیم در جریان مبارزه به دنبال آن ره پوئیم. عکس آن با اهداف روشن و با استواری تمام به خاطر تحقق اهداف خود درفش مبارزه را می افرازیم، در مسیر مبارزه هر آنکس که بخواهد سد راه ما گردد، می خواهد امپریالیزم باشد و یا ارتجاع، فرقی نمی کند طوفان آسا آنرا از سر راه خود می روئیم. این است وظیفه ما به حیث "نیروی جوان و بالنده" و به خاطر رسیدن به چنین مرحله ای می باید با درس آموزی از تجارب پیروزمند کشورهایی که افتخار پیروزی بر

امپریالیزم و ارتجاع را داشته اند، با درس آموزی از تجارب تلخ شکست های قبلی در کشور خود ما ، با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص کنونی کشور و با اتکاء به نیروی خود در صدد ایجاد آن نهاد هائی برآنیم که این مأمول را بتوانند، بر آورده سازند. اگر ایجاد چنین نهاد هائی از جانبی به زمان نیاز دارد و می باید به خاطر کوتاه ساختن زمان و در نتیجه کوتاه ساختن زمان رنج و الم مردم وظیفه داریم تا به کار های تدارکاتی خویش سرعت بخشیم از جانب دیگر تاریخ این وظیفه را بردوش ما گذاشته تا در جریان پراتیک مشترک، دید روش و صداقت انقلابی و... در بطن مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع بر عادات کودکی جنبش و پراکندگی های ناشی از آن غلبه نموده کثرت را به وحدت نیرومندی مبدل سازیم که دیگر هیچ کس و یا نهادی جرأت نکند تا برای "جوان" وظیفه ای به غیر از وظایف تاریخی خودش پیشنهاد کند. این همان چیزیست که پورتال در مسیر آن روان است و اطمینان داریم باز هم این همان چیزیست که شما را واداشته تا آن سؤال را مطرح سازید.

اگر خواسته باشیم به مثال سکندر و دولت شهر سپارت برگردیم باید بگوییم :

"نه این و نه آن"

"جوان" باید راه و اهداف خود را مشخص ساخته با تکیه به نیروی خود این رسالت تاریخی را به سرانجام رساند. در غیر آن دگر چیزی از جوان باقی نمانده، به مثابه امتداد یکی از اضلاع از دید تاریخی همان حکمی در انتظارش خواهد بود که تاریخ با بیرحمی تمام بر جبین تمام خاینان و درپوزه گران زده است.

2 – خواننده نهایت عزیز و گرامی!

شما به یقین می دانید که هر مبارزه دشواری های خاص خود را دارد و وقتی ما دست به مبارزه می زنیم انتخاب میدان در صلاحیت ما نیست که مثلاً مانند یک مسابقه فوتبال باید در غازی استدیوم جریان یابد و یا چمن حضوری و یا میدانهای پوهنتون کابل. ما چه بخواهیم و چه هم نخواهیم وقتی کمر به مبارزه به خاطر تغییر یک وضعیت حاکم می بندیم، چگونگی شرایط و اشکال مبارزه ما را همان اوضاعی تعیین می نماید که در آن قرار داریم و می باید آن را دگرگون سازیم.

به صورت مشخص وقتی خواسته باشیم به ارتباط مقایسه شرایط بین زمان طالب و اوضاع کنونی بپردازیم چند نکته را به مثابه اساس تحلیل خود باید در نظر داشته باشیم:

1- از دید ما طالب و امپریالیزم با تمام کشمکش هائی که بین هم دارند، چیزی مجزا از همدیگر نبوده به مثابه یک زوج دیالکتیکی باید به آنها نظر انداخت. چه تاریخ نشان داده که به همان میزانی که امپریالیزم برای گسترش سلطه اش به ارتجاع نیاز دارد، ارتجاع نیز برای بقایش به امپریالیزم نیاز دارد. به خصوص در رابطه با ارتجاع اسلام سیاسی در افغانستان اعم از طالب و تمام احزاب به اصطلاح جهادی و امپریالیزم ، به علاوه آنکه اسناد و اوراق تاریخ پیوند خونی و تنگاتنگ آنها را گواهی می دهد، تلاشهایی که به خاطر رفع کدورت های شان صورت می گیرد بار دیگر به اثبات خواهد رسانید، که نباید بین آنها کوه سیاه و یا دیوار چین کشیده برخورد منفعلانه نسبت با آنها نمود. بلکه جا دارد آنها را به مثابه یک زوج دیالکتیکی که هر دو در دشمنی و تخاصم خونین با مردم افغانستان به ویژه فرزندان آگاه آن قرار دارند که به گواهی تاریخ در این دشمنی حاضرند صد بار با هم کنار آمده سازش نمایند تا نیروهای انقلابی را ضربه بزنند، مشخص نموده بیهراس کمر به نابودی هر دو طرف آن بست و به گفته یکی از جانبازان بنام میهن، رخس آزادی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی را از زیر آتش متقاطع هر دو جناح به منزل مقصود هدایت نمود.

2- اصولاً برای ارائه پاسخ بدین پرسش، آن عده از رزمندگانیکه در داخل افغانستان پیکار مرگ و زندگی را علیه استعمار و ارتجاع ادامه می دهند، حق اولیت دارند. چه این آنها هستند که می باید متناسب با شرایط سریع التعمیر جامعه، نقاط ضعف دشمن و قوت نیروهای خود را مشخص نموده ضربه کاری و لازم را وارد نمایند.

با آنها تا جایی که برای متصدیان و همکاران تکنیکی پورتال – همکاران قلمی پورتال که از داخل افغانستان برای ما مطلب می فرستند از این اصل مستثنا هستند. برداشت های مشخصی از این دو دوره وجود دارد، هریک از آنها سهولت ها و دشواری های خاص خود را داشت و دارد.

به صورت مثال در حالیکه در دوران طالبان، طبق مشاهدات فردی این قلم، گذشته از تلاش برای یافتن نان، برای زندگانی در شهر کابل فقط ریش دراز، حضور در مسجد و مسلمان نمائی و گریز از تبعیضات نژادی و زبانی اشد ضرورت احساس می شد و می توان گفت از یک استخبارات سیستماتیزه شده زیاد خبری نبود، در مقطع کنونی هرچند تلاش برای یافتن لقمه نانی به شکل شرافت مندانه آن با همان حدت ادامه دارد، مگر برای ادامه زندگانی نه به ریش نیاز است و نه هم به مسلمان نمائی. مگر یک مبارز راه آزادی مجبور است قدم به قدم و هر لحظه یک نکته را به خاطر داشته باشد و آنها چیزی نیست مگر موجودیت بیش از 44 نهاد استخباراتی مجهز و با پیشرفته ترین امکانات تکنیکی و پشتوانه مالی قوی. به همین سان می توان ده ها مورد را مشخص به بحث کشید.

3- از نظر ما شرایط هر قدر دشوار و سخت باشد از ما می خواهد که با حرکت از تحلیل همان شرایط و با بلند بردن آگاهی و آمادگی های خود به امر مبارزه ادامه دهیم. برای یک انقلابی حرفه ئی شرایط دشوار و نا مناسب آمادگی، آگاهی و دقت بیشتر طلب می نماید نه اینکه به مانند انقیاد طلبان برخاسته از بستر چپ و یا راست، دشواری شرایط را سنگری بسازند که در پناه آن خیانت خویش را توجیه نمایند.

خواننده عزیز و گرامی!

باز هم ضمن آنکه از ارسال چنین پرسشهایی صمیمانه از شما تشکر می نمائیم و آرزومند آنیم تا همیشه به چنین مکاتباتی با پورتال خود تان ادامه داده، به ما کمک نمائید تا در شفاف ساختن خطوط پورتال و احیاناً ارتقای سطح آگاهی خوانندگان تازه کار پورتال گام هائی برداریم، خاطر نشان می سازیم که ما پرسشهای تان را برای عده ای از همکاران دایمی ما نیز ارسال داشته ایم، امید است آنها نیز با شرکت در چنین بحث سرنوشت سازی بر ما منت گذاشته کمکی گردند برای تحقق اهداف والای پورتال.

پیروز و کامگار باشید AA-AA